

## گزارشی از نشست کتاب «تحول گفتمان در گزارش واقعۀ کربلا» روش‌شناسی و نتایج

ارائه‌دهنده: سیده رقیه میرابوالقاسمی<sup>۱</sup>

گزارش و تدوین: رضا عطائی<sup>۲</sup>

### اشاره

پانزدهمین جلسه از پیوسته نشست‌های علمی سید مرتضی (ره) با همکاری مجله دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث روش‌شناسی و نتایج کتاب «تحول گفتمان در گزارش واقعۀ کربلا» را موضوع خود قرار داد. در این نشست، جمعی از طلب و دانشجویان رشته‌های مرتبط با قرآن و حدیث و تاریخ اسلام حضور داشتند. این نشست که دبیری آن را آقای محمد جدیدی عهده‌دار بود، روز دوشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۰ به صورت مجازی و برخط ارائه گردید.

نویسنده کتاب خانم دکتر «سیده رقیه میرابوالقاسمی» در این نشست ابتدا به انگیزه خود از تألیف کتاب اشاره کرده و سپس گزارشی از نگاشته خویش ارائه کرد.

این کتاب، افزون بر مقدمه، شش فصل دارد که عبارتند از: «مبانی پژوهش»، «نخستین گفتمان‌های گزارش واقعۀ کربلا»، «سنخ‌شناسی گفتمان گزارش واقعۀ کربلا در آثار فارسی»، «توده‌گرایی تشیع امامیه و نسبت آن با تحول گفتمان گزارش واقعۀ کربلا»، «رویکردهای اعتقادی به منزلت قدسی اهل‌بیت علیهم‌السلام و نسبت آن با تحول گفتمان» و «رشد و گسترش تصوف و نسبت آن با تحول گفتمان گزارش واقعۀ کربلا». بخش پایانی کتاب به جمع‌بندی مطالب، ذکر منابع و مأخذ، نمایه «آیات و روایات»، «اعلام»، «موضوعات»، «کتاب‌ها» و «مکان‌ها» اختصاص دارد. کتاب «تحول گفتمان در گزارش واقعۀ کربلا» برای نخستین بار در سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات سمت منتشر و موفق به دریافت جایزه دعبل شد.<sup>۳</sup> نوشته پیش رو در دو بخش، ابتدا محتوای کتاب را به صورت خلاصه بیان کرده و سپس گزارشی از این نشست ارائه می‌کند.

۱. عضو هیات علمی بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

۲. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، rezaataee49@gmail.com

۳. بنیاد علمی، فرهنگی و آموزشی دعبل خزاعی در تاریخ سوم مرداد سال ۱۳۸۴ تأسیس شد، جایزه «دعبل» به آثار مرتبط با عاشورا اختصاص دارد.

## الف) گزارشی مختصر از محتوای کتاب

این کتاب از شش فصل، تشکیل شده است. به صورت خلاصه محتوای اصلی این فصل‌ها گزارشی می‌شود.

### فصل اول: مبانی پژوهش

در این فصل از کتاب، ابتدا مسأله پژوهش توضیح داده شده و سپس برخی از مفاهیم به کار رفته در کتاب، تعریف می‌شود.

#### ۱. مسأله پژوهش

برای توضیح مسأله پژوهش، نیاز است که ابتدا پیشینه نگارش کتاب در مورد واقعه کربلا بیان شود. از همان قرن‌های نخست پس از قضیه عاشورا، نگارش کتاب در مورد واقعه کربلا شروع شد و در قرن‌های بعدی نیز این روند ادامه یافت و مؤلفان بسیاری در تعامل با مخاطبان فارسی‌زبان، نگاشته‌های متعددی با زبان فارسی پدید آوردند. مخصوصاً در فاصله زمانی قرن چهار تا ده هجری قمری، شمار کثیری از آثار فارسی، هر یک به گونه‌ای واقعه کربلا را انعکاس دادند.

نکته مهم این است که حتی پس از آن که اعراب مسلمان بر مناطق فارسی‌زبان، سیطره یافتند، فارسی‌نگاری گسترش یافت که این، نشان از عدم سیطره فرهنگ اعراب بر این نواحی و پابندی فارسی‌زبانان به سنن فرهنگی خویش بوده است.

پابندی فارسی‌زبانان بر فرهنگ خود، سبب شد که ایرانیان در رابطه با واقعه کربلا نیز گزارش‌های متعددی را بیان کنند و در نتیجه، موجب پدید آمدن رویکردهای نوینی به واقعه کربلا شود. این رویکرد از دو جنبه قابل تأمل است؛ از سویی متأثر از بافت فرهنگی ایرانی است؛ اما نه اینکه ماهیتش ایرانی باشد و از جنبه دیگر، تحوّل گفتمانی که در فاصله زمانی قرن چهارم تا دهم هجری قمری ایجاد کرد.

بنابراین آشنایی بسیاری از فارسی‌زبانان با این واقعه و سپس انعکاس آن در قالب فرهنگ ایرانی، سبب شد که در فاصله زمانی قرن چهارم تا ده قمری، خوانش جدیدی از گزارش کربلا به وجود آورد که می‌توان از آن به عنوان «رویکرد ایرانی» یاد کرد. آثار فارسی این دوران، گویای یک شکوفایی در گفتمان واقعه کربلاست که برخی از آنها تأثیراتشان ماندگار شد. از جمله گفتمان‌های مهم این دوران، می‌توان به چهار گفتمان تاریخی، عاطفی، عرفانی و ماورائی اشاره کرد، البته به مرور زمان، تمایل به گفتمان تاریخی، کاهش پیدا کرد و سه گفتمان دیگر برجسته شدند به گونه‌ای که گفتمان عاطفی، گفتمان قالب در بین فارسی‌زبانان شد.

سه ویژگی مهم جامعه ایرانی، یعنی عامل رشد و گسترش تصوّف، توده‌گرایی تشیّع امامیه و رویکردهای اعتقادی درباره منزلت قدسی معصومان علیهم‌السلام، سبب این تحوّل گفتمانی شد.

## ۲. تعریف مفاهیم

نویسنده کتاب در ادامه، بعد از توضیحی درباره سه ویژگی یادشده به تعریف محوری‌ترین مفاهیم این پژوهش می‌پردازد. مفاهیمی همچون تحوّل، گفتمان، سنخ‌شناسی تحوّل گفتمان، گفتمان تاریخی، گفتمان عاطفی، گفتمان عرفانی و گفتمان ماورائی.

منظور از گفتمان تاریخی در این نوشتار، گفتمانی است که ماهیت آن بر اساس اصالت گزارش‌ها و روایات تاریخی شکل گرفته است. گفتمان عاطفی نیز گفتمانی است که بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی وجه یا وجوه عاطفی یک رویداد، محوری‌ترین رویکرد آن را تشکیل می‌دهد. در گفتمان عرفانی با رویکرد شهودی، کُنّه حوادث و رویدادهای این جهانی در ماهیتی آن جهانی و معنوی جست‌وجو می‌شود. در گفتمان ماورائی بر اصالت عوامل غیر مادی و ماوراء طبیعی در بروز یک رویداد تاریخی، تأکید می‌شود. در ادامه این بخش از کتاب، به رویکرد روشی، تحلیل محتوا، مبانی مفهومی و روش تحقیق اشاره گردیده است.

## فصل دوم: نخستین گفتمان‌های گزارش واقعه کربلا

در فصل دوم، نخستین آثار عربی نگاشته‌شده درباره واقعه کربلا تا قرن پنجم معرفی می‌شود.

### ۱. آثار عربی واقعه کربلا تا قرن پنجم

نخستین وقایع‌نگاری کربلا در همان قرن اول نگاشته شد. به غیر از روایات ائمه علیهم‌السلام در این موضوع که از جمله میراث اولیه به حساب می‌آید، کتاب‌های دیگری نیز نگاشته شد که از جمله می‌توان به مقتل الحسین از «قاسم بن اصبح بن نباتة» اشاره کرد. همچنین افرادی مانند جابر بن یزید جعفی، فضیل بن زبیر اسدی، عماد بن ابی معاویه بجلی نیز در این زمینه نگاشته‌هایی داشتند.

در قرن‌های بعدی، افرادی همچون ابی‌مخنف، هاشم بن محمد کلبی، محمد بن عمر واقدی، ابوعبیده معمر بن مثنی و نصر بن مزاحم نیز نگاشته‌هایی داشتند. این آثار از میان رفته‌اند و تنها برخی از نقل‌های آنها در منابع دیگر گزارش شده است.

### ۲. تقسیم آثار عربی واقعه کربلا بر اساس چهار گفتمان

کتاب مقتل الحسین، نوشته «قاسم بن اصبح بن نباتة» را می‌توان ذیل گفتمان عاطفی از واقعه کربلا به حساب آورد. همچنین رویکرد ابن سعد در کتاب الطبقات الکبری، گفتمانی ماورائی - عاطفی

است. احمد بن یحیی بلاذری در کتاب انساب الاشراف با حاشیه‌ای کمرنگ از گفتمان ماورائی، همین رویکرد را دنبال کرده است.

گفتمان تاریخی را در نگاه‌های عمّار دهنی، ابی‌مخنف، تاریخ خلیفه بن خیطا، الامامة و السياسة ابن قتیبه دینوری و الاخبار الطوال احمد بن داوود دینوری می‌توان دید. همچنین این گفتمان به همراه گفتمان عاطفی و ماورائی در کتاب تاریخ الامم و الملوک طبری و العقد الفرید ابن عبد ربّه اندلسی وجود دارد. ابن اعثم کوفی در کتاب الفتوح، با حجم بیشتری از گفتمان عاطفی و ماورائی، مشابه تاریخ طبری عمل کرده است.

کتاب بصائر الدرجات صفّار و المستدرک حاکم نیشابوری، گفتمان ماورائی را دنبال کرده‌اند. در کتاب مقتل الحسین طبرانی با گفتمان عاطفی و ماورائی مواجهیم که اندکی رویکرد گفتمان تاریخی را هم در خود جای داده است. در کتاب المناقب و المثالب و شرح الاخبار هر دو از قاضی نعمان مغربی، بیشتر، عاطفی و ماورائی است. مروج الذهب مسعودی، المصابیح احمد بن ابراهیم حسنی، البدء و التاریخ مقدسی و مقاتل الطالبین ابوالفرج اصفهانی نیز رویکرد عاطفی و ماورائی دارند.

سه گفتمان ماورائی، عاطفی و مناسکی را در کامل الزیارات و عیون اخبار الرضا علیه السلام می‌توان مشاهده کرد. شیخ صدوق در امالی و علل الشرایع، افزون بر این سه گفتمان، اندکی به گفتمان تاریخی هم پرداخته است.

از جمله آثاری که با گفتمان تاریخی به نگارش درآمده، کتاب الارشاد شیخ مفید و تجارب الامم از «ابوعلی مسکویه» است.

## فصل سوم: سنخ‌شناسی گفتمان گزارش واقعه کربلا در آثار فارسی

نویسنده کتاب «تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا»، در فصل سوم به گونه‌شناسی آثار فارسی از قرن چهارم تا قرن نهم قمری پرداخته است.

### ۱. متون فارسی قرن چهارم هجری قمری

کهن‌ترین اثر فارسی شناخته‌شده در گزارش واقعه کربلا مربوط به قرن چهارم هجری قمری است. نخستین آثار در این حوزه، دو کتاب «ترجمه تفسیر طبری» و «تاریخ طبری» است. اگرچه مرسوم است که مترجم، منعکس‌کننده دیدگاه مؤلف باشد، اما در ترجمه «تاریخ طبری» جهت‌گیری مستقل مترجم، کاملاً واضح است؛ به گونه‌ای که این اثر به «تاریخ بلعمی» مشهور گشته است.

در ترجمه «تفسیر طبری» نیز چندین بار از امام حسین علیه السلام یاد شده و حتی در یک مورد، گزارش مشروحی از واقعه کربلا بیان شده است.

از جمله آثار دیگر این قرن، «سوگنامه کسایی مروزی» است که به صورت اشعاری به مقتل خوانی پرداخته است. گفتمان این اثر، عاطفی بوده و از مایه‌های تاریخی بهره‌مند است.

«ترجمة السواد الاعظم» متن دیگری از قرن چهارم است. اصل این کتاب، عربی و نویسنده آن اسحاق بن محمد سمرقندی است که مترجمی ناشناس آن را به فارسی درآورده است. این اثر، گفتمان کلامی دارد که به تبیین اصول عقاید مذهب حنفی پرداخته و در یک مسأله، به حقانیت امام حسین علیه السلام می‌پردازد. «تفسیر قرآن پاک» توسط رواقی در این قرن، نگاشته شده که در آن، یک روایت درباره تقدس روز عاشورا آمده است.

## ۲. متون فارسی قرن پنجم هجری قمری

از جمله آثاری که در این قرن به قضیه کربلا پرداخته، کتاب «زین الاخبار گردیزی» است. رویکرد در این اثر، گفتمان تاریخی است. توجه خاص مؤلف به تقدس روز عاشورا سبب شده که محتوای این کتاب رنگ و بوی معنوی - اعتقادی به خود بگیرد. «کشف المحجوب هجویری» که تقریباً دو دهه بعد از «زین الاخبار» به نگارش درآمده، محتوای عرفانی داشته و با بیان عبارات خاصی، بُعد معنوی را هم در خود جای داده است.

کتاب دیگر، «تاج التراجم» از شاهفور اسفراینی است که روایات متعددی را در تقدیس دیرینه روز عاشورا نقل می‌کند؛ این رویکرد تقدس‌گرایانه، گفتمان غالب کتاب را شکل داده است. نگاشته بعدی در قرن پنجم «تاج القصص» می‌باشد که اثری تفسیری بوده و به گفتمان عرفانی نزدیک است. در این کتاب به جریان خون‌خواهی حضرت زهرا علیها السلام در قیامت اشاره شده است. ابونصر بخاری در این کتاب، احادیث مختلفی را به صورت داستان‌پردازانه منعکس می‌کند. همین ویژگی داستان‌پردازانه در کتاب «سیر الملوک» اثر نظام الملک طوسی نیز دیده می‌شود.

نمونه دیگر، کتاب «تاریخ سیستان» است که اگرچه گفتمان تاریخی دارد، اما جنبه داستان‌سرایی عاطفی هم در آن کاملاً مشهود است. اثر بعدی «تفسیر عتیق نیشابوری» است که با گفتمان عاطفی، به صورت داستان‌سرایی عمل کرده است.

همان‌گونه که در این آثار، دیده شد، گفتمان عاطفی با رویکرد داستانی در آثار فارسی قرن پنجم هجری، مشهود است. این رویکرد بیش از آن که مورد پسند شیعه باشد، پسندیده اهل سنت است و شیعیان، اقبال چندانی به کربلای عاطفی و داستانی نداشتند؛ مثلاً ناصر خسرو، شاعر شیعه اسماعیلی

قرن پنجم با گفتمان حماسی به مناقب و مقاتل می‌پردازد. همین رویکرد را در ادبیات ادیب صابری ترمذی قرن ششم هم می‌شود دید.

### ۳. متون فارسی قرن ششم هجری قمری

در قرن ششم، مرثیه‌سرایی برای امام حسین علیه السلام رویکرد رایج بود. حتی ادبیات تشبیهی این روزگار نیز غالباً بر محور مرثیه‌سرایی قرار داشت. نمونه این ادبیات را می‌توان در اشعار امیر معزی، سید حسن غزنوی، ازرقی هروی، ادیب صابر و عمیق بخارایی مشاهده کرد.

پرداختن به فضیلت روز عاشورا به تدریج در اواخر قرن پنج و اوایل قرن ششم، رنگ باخت و همین، سبب شد تا رویکرد داستانی گزارش واقعه کربلا تقویت شود. به عنوان مثال کتاب «مجل التواریخ و القصص» نه تنها در عنوان به چنین نکته‌ای تأکید داشته، بلکه در متن آن نیز به این رویکرد تصریح شده است.

تحول مهم قرن ششم، تعمیق گفتمان عرفانی کربلاست که «سنایی غزنوی» در آن سهم به سزایی داشت؛ به گونه‌ای که حتی منقبت‌سرایی او نیز تحت شعاع این گفتمان عرفانی قرار گرفت. چنین گفتمانی در اشعار ظهیر فاریابی و «اسرار التوحید» میهنی هم مشهود است.

یک خرده‌گفتمان معنوی نیز در این دوره در میان فارسی‌زبانان سنی‌مذهب رواج دارد. در عهدنامه‌های به جای مانده از «محمد بن ایلدگر» این خرده‌گفتمان‌های معنوی قابل مشاهده است. همچنین در دیوان فلکی شروانی، دیوان اشعار طواط، دیوان مجیر بیلقانی و دیوان عطار نیز این فضای معنوی دیده می‌شود. البته این نوع نگرش تقدس‌گرایانه با گفتمان عرفانی کربلا قرابتی نداشت.

از جمله شاخصه‌های مهم گفتمان عرفانی سنایی، همراهی آن با موضع‌گیری سیاسی علیه سفیانیان و لعن آنها بود که سبب اتهام رافضی‌گری و تکفیر وی شد. این موضع‌گیری با طرحی کم‌رنگ‌تر در مصیبت‌نامه عطار نیز قابل مشاهده است. همچنین بهاء ولد نیز در تبیین معارف عرفانی‌اش، سفیانیان را لعن می‌کند. این رویکرد بعدها در گفتمان عاطفی شیعیان تداوم یافت و در قالب اشعار منقبتی نمودار شد. دو تن از معروف‌ترین مناقبان شیعه یعنی ابوالمفاخر رازی و قوامی رازی در زمان سنایی بودند.

کتاب «مقتل ابوالمفاخر» در بستر گفتمان تاریخی، گفتمان عاطفی - حماسی را ارائه کرد. همچنین اشعار قوامی رازی، وجه غالبش، گفتمان عاطفی است؛ اما بخش مهمی از آن حاوی رویکردی است که گفتمان ماورائی را به نمایش می‌گذارد.

همزمان با این گفتمان عاطفی - ماورائی که به مهم‌ترین گفتمان شیعه تبدیل شد، با دو گفتمان متفاوت نیز مواجهیم؛ یکی، گفتمان کلامی عبدالجلیل قزوینی در کتاب النقص و دیگری، گفتمان مناسک‌گرایانه در آثار دعایی.

گفتمان کلامی رواج نیافت، اما گفتمان مناسک‌گرایانه، چون از شاخص‌های عاطفی برخوردار بود، مورد اقبال قرار گرفت. دو کتاب «ذخیره الآخرة» و «نزهة الزاهد» از جمله آثاری بودند که این گفتمان را عرضه کردند. این دو کتاب از کهن‌ترین آثار نگاشته‌شده فارسی در ادعیه و اعمال زیارتی شیعه است.

در دل گفتمان مناسک‌گرایانه، گفتمانی ماورائی وجود داشت که شیعیان قرن ششم، چندان انسی با آن زیاد نداشتند. در برابر، این طریقه در میانه سنیان جدی‌تر بود. به عنوان مثال، ترجمه فارسی به جای مانده از «فتوح ابن اعثم» (بر خلاف خود کتاب) چنین است. همچنین کتاب «آداب الحرب و الشجاعة» تألیف فخر مدبر، گفتمان تاریخی - عاطفی را ترجیح داده است. این غلبه گفتمان عاطفی که تا پایان قرن ششم سیر صعودی داشت پس از «فتوح ابن اعثم» به یکباره متوقف شد و فارسی‌نویسان سنی‌مذهب قرن هفتم، دیگر، اقبالی به آن نشان ندادند و میراث گفتمان، روندی متفاوت پیدا کرد.

#### ۴. متون فارسی قرن هفتم هجری قمری

در این قرن رویداد مهم و سرنوشت‌سازی اتفاق افتاد که همان حمله مغول‌ها به سرزمین‌های شرقی جهان اسلام به ویژه نواحی فارسی‌زبان بود. در میان آثار فارسی پیش از تهاجم مغول، در اوایل قرن هفتم، دو اثر شاخص وجود دارد. اولین آنها توسط محمد بن حسین رازی به نام «نزهة الکرام و بستان العوام» تألیف شده است. این اثر، یک تاریخ مذهبی شیعه است که با گفتمان ماورائی به هدف احتجاجات تاریخی مذهبی علیه اهل سنت و نیز پاسخ‌گویی به پاره‌ای از ابهامات شیعی درباره زندگی ائمه علیهم‌السلام نگاشته شده است. دومین کتاب «تبصرة العوام» است که یک اثر شیعی در همین روزگار است. البته در کتاب «تاریخ طبرستان» اثر ابن اسفندیار و کتاب «ترجمة اشکال العالم» اثر جیهانی نیز به صورت مختصر به یک مناسبت به حادثه کربلا اشاره شده است.

بعد از تهاجم مغول، توجه به رویداد کربلا از برجستگی قابل توجهی برخوردار شد. در این خصوص تشبیهات ادبی و همانندسازی مفاهیمی مانند امام حسین علیه‌السلام، یزید، عاشورا، کربلا، آب و تشنگی قابل توجه بود. همچنین هر چهار گفتمان تاریخی، عاطفی، ماورائی و عرفانی در این روزگار ایفای نقش کردند. البته در بین شیعیان، گفتمان ماورائی و در بین اهل سنت، گفتمان عرفانی، نمود بیشتری داشت و دو گفتمان دیگر، وجه مشترک هر دو گروه بود. گفتمان عاطفی از همان ابتدای تهاجم مغول، خود را نشان داد؛ مثلاً «سیرت جلال‌الدین» کشته‌شدن دو برادر را به جریان امام حسن و حسین علیهم‌السلام همانندسازی می‌کند. در اشعار «نجیب جرفادقانی» و «سعدی شیرازی» همین گفتمان محسوس است. همچنین وجه قدسی در «جامع التواریخ» اثر رشید الدین فضل‌الله همدانی نیز محسوس است. با نزدیک‌شدن به اواخر قرن هفتم، گفتمان عاطفی محسوس‌تر و پُررنگ‌تر شد.

در دیوان «مجد همگر» هم هنگام یادکردن از واقعه کربلا، ضمن تأکید بر تقدس کربلا، برخی از مهم‌ترین عناصر عاطفی این رویداد مطرح می‌شود. این تأثر و تألم عاطفی در اشعار «سیف فرغانی حنفی» به اوج می‌رسد و هدف امام علیه السلام را شهادت می‌داند.

نمونه مشابه دیگر، قصیده پرشور «اوحدی مراغی» است که نه فقط گفتمان عاطفی تقدس‌گرایی آن جلوه‌ای خاص دارد، بلکه به دلیل رویکرد قوی اعتقادی‌اش، حائز اهمیت است.

بعد از آن «حسن کاشی» در دو اثر «دیوان اشعار» و «تاریخ محمدی» این گفتمان را ادامه داده است. گفتمان کاشی نمونه مشابه رویکرد «سیف فرغانی» است؛ اگرچه وجه حماسی هم دارد. گفتمان عاطفی کاشی با جهت‌گیری سیاسی هم پیوند دارد.

از دیگر گفتمان‌های این روزگار، گفتمان تاریخی است که در برخی آثار همچون «طبقات ناصری» تألیف منهای سراج، «تاریخ محمدی» و «دره التاج» تألیف قطب‌الدین شیرازی دیده می‌شود. مهم‌ترین نماینده این گفتمان، عمادالدین طبری است. او در سه اثر از چهار اثر به جای مانده‌اش به رویداد کربلا اشاره می‌کند. نکته مهم در گفتمان تاریخ طبری، توجه او به تحلیل علل وقوع فاجعه کربلاست.

همچنین «کامل بهایی» از جمله آثاری است که به گزارش کاملی از کربلا می‌پردازد و گفتمان تاریخی آن به وضوح در خدمت رویکرد اعتقادی قرار دارد. در «مناقب الطاهرین» نیز گزارش مختصری از واقعه کربلا بیان شده که در برخی مواقع، روایاتش با «کامل بهایی» متفاوت است. گفتمان تاریخی این کتاب، با گفتمان ماورائی پیوند خورده است. گزارش این کتاب خیلی شبیه به گزارش «نزهه الکرام» است و به نظر می‌رسد در برخی موارد، برگرفته از آن باشد. به همین جهت گفتمان تاریخی این اثر با داستان‌پردازی و گاهی، تحریف توأم گردیده است. نمونه دیگری از این رویکرد تحریف‌آمیز را در اثر دیگر او «تحفة الابرار» می‌توان دید.

مهم‌ترین نماینده گفتمان عرفانی کربلا در این قرن، «جلال‌الدین محمد بلخی» است که نگرشی فراتاریخی، فرازمانی و فرامکانی به این رویداد داشته و ماهیتی عاشقانه برای آن تصویر می‌کند. مضمون این گفتمان، شور و شفع عاشقانه و شادی حاصل از وصال عارفانه است. این رویکرد در کتاب «اللّهوف سید ابن طاووس» نیز وجود دارد، با این تفاوت که مولوی، تأکید بر شادی صرف دارد. این گفتمان مولوی را در دیگر آثار عارفان معاصر او نمی‌توان یافت؛ بلکه آنان نگاهی فراتاریخی توأم با تأکید بر عنصر عشق دارند. «نزاری قهستانی» و «سیف فرغانی» از این جمله هستند.

در این قرن، با یک اثر خاص شیعی دیگر به نام «شرح شهاب الاخبار» مواجهیم. این اثر واجد وجوه داستان‌پردازی است و فضای غالب آن ترویج تشیع اعتقادی است.



بنابراین همزمان با رونق گفتمان عرفانی کربلا در میان اهل سنت، شیعیان بیش از پیش با گفتمان ماورائی کربلا مانوس شدند. داعیه‌دار این نوع از گفتمان، عمادالدین طبری در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم است.

## ۵. متون فارسی قرن هشتم هجری قمری

گفتمان این قرن با قرن هفتم مشابهت دارد و فضای جدیدی ایجاد نشده است. سه گفتمان تاریخی، ماورائی و عاطفی با همان مختصات در این قرن هم دیده می‌شود؛ با این تفاوت که برجستگی گفتمان تاریخی در این روزگار تا اواسط قرن نهم کشیده شده است.

ویژگی خاص گفتمان تاریخی کربلا در آثار فارسی قرن هشت، برخورداری از رویکرد قوی اعتقادی است. تقریباً در تمامی آثار این قرن که نگاهی به واقعه کربلا داشتند، اعلان انزجار صریح از یزید و بنی‌امیه، به مثابه ضرورتی اعتقادی بازتاب دارد. این جهت‌گیری اعتقادی که به موضع‌گیری شیعه نزدیک است عمدتاً به مؤلفان سنی‌مذهب مربوط می‌شود. «سمط العلی للحضرة العلیا» و «نسائم الاسحار» دو اثر تاریخی از ناصرالدین منشی کرمانی است که این گفتمان خاص در آنها آشکارا وجود دارد.

در «تجارب السلف» تألیف هندوشاه نخبوانی که به عنوان ترجمه‌ای از «الفخری فی آداب السلطانیة» تألیف ابن طقطقا به رشته تحریر درآمده نیز با همین گفتمان تاریخی (با شدتی کمتر) مواجهیم.

کتاب دیگر «تحفه در اخلاق و آداب ملک‌داری» است که هم‌زمان با «تجارب السلف» به نگارش درآمده و از چنین گفتمانی برخوردار است. در «تاریخ بناکتی» هم واقعه کربلا با تصویر تاریخی - اعتقادی دیده می‌شود؛ ولی به نقش یزید هیچ اشاره‌ای نمی‌شود. گفتمان تاریخی مندرج در «فتاوی جهان‌داری» تألیف ضیاء‌الدین برنی نیز شباهت محسوسی به «تحفه» دارد.

در «تاریخ گزیده» حمدالله مستوفی، گفتمان تاریخی - اعتقادی با جهت‌گیری سیاسی، بازتاب محسوسی دارد. در «ظفرنامه»، دیگر اثر تاریخی از مستوفی نیز با گفتمان تاریخی مواجهیم؛ البته رویکرد اعتقادی سابق‌الذکر در اثر اخیر به چشم نمی‌خورد و نویسنده، معاویه و کشندگان امام حسین علیه السلام را تبرئه می‌کند و لعن آنها را روا نمی‌داند.

در «مجمل فصیحی» اثر فصیح‌خوایی نیز گفتمان تاریخی وضوح بیشتری دارد. در این اثر، مکرر از امام علیه السلام با اصطلاح امیرالمومنین یاد شده و در آن با داستان‌پردازی‌هایی مواجهیم که از اشتباهات تاریخی دور نمانده است.

حافظ ابرو، دیگر مورخ سنی است که در کتاب «زبدة التواریخ» همانند معاصرانش عمل کرده است. در گفتمان تاریخی شیعیان قرن هشتم نیز از همین روند پیروی شده است. اولیاءالله املی در «تاریخ رویان»، ضیاءالدین جرجانی در «رسائل فارسی جرجانی» و ابوالقاسم کاشانی در «زبدة التواریخ» از این دسته‌اند. البته وجه اعتقادی گفتمان تاریخی جرجانی از صراحت بیشتری برخوردار است.

رویکرد اعتقادی یادشده را در میان عرفای سنی مذهب این عصر نیز می‌توان مشاهده کرد. خواجه کرمانی در دیوان اشعارش، هنگام شرح «مدایح شبیری» امام حسین علیه السلام را گوشواره عرش و واجد انوار یزدی و صفات پیمبری می‌داند.

همچنین رویکرد عماد فقیه کرمانی در «پنج گنج» روشنی بیشتری دارد. گفتمان خواجه محمد پارسا در «فصل الخطاب لوصول الاحباب»، عرفانی است که جهت‌گیری اعتقادی هم دارد؛ البته با نوعی گفتمان ماورائی نیز در آن مواجهیم. در این میان، شمس‌الدین ابرقوهی در «مجمع البحرین» استثناست و گفتمان عرفانی - فلسفی را برگزیده است..

برای شیعیان فارسی‌زبان قرن هشتم، دو گفتمان عاطفی و ماورائی کربلا جدائیت و اهمیت بیشتری دارد. در این خصوص آثار «حسن شیعی سبزواری» قابل ذکر است. «راحة الارواح و مونس الاشباح فی احوال النبی و الائمة علیهم السلام»، «مصاییح القلوب» و «بهجة المباحج» سه اثر وی است که در آن، گفتمان ماورائی، نمود دارد؛ گفتمانی که تحت شعاع گفتمان عاطفی بوده و با گفتمان عرفانی پیوند دارد. این نوع از گفتمان عرفانی، نه آن زمان و نه بعدها در میان شیعیان مورد استقبال قرار نگرفت.

از منابعی که یک یا هر دو گفتمان عاطفی ماورائی را می‌توان در آن سراغ گرفت، «دیوان عطار شیرازی»، «دیوان ابن یمین فریومدی»، «دیوان سلمان ساوجی» و «دیوان جلال عسجد» نام برد. در همین فهرست از شاه نعمه‌الله ولی و عمادالدین نسیمی نیز می‌توان یاد کرد که از گفتمان عرفانی کربلا غافل نبودند.

رویکرد دیگر شیعیان فارسی‌زبان در قرن هشتم، متعلق به گفتمان مناقیبان شیعی است. گفتمان این گروه، به طور کامل، رویکردی اعتقادی داشت که هدف آن تخطئه مخالفان بود. «حمزه کوچک ورامینی» از جمله مناقب‌خوانانی بود که مدح امام علیه السلام را برخورد فرض می‌داشت، تأکید او بر وجه اخروی و شفاعت‌گرایانه ارتباط با امام علیه السلام متمرکز است که ترجیح‌بند اشعار و مدایح اکثریت شیعیان این روزگار است.

## ۶. متون فارسی قرن نهم تا اواسط قرن دهم هجری قمری

درباره آثار این قرن شاید هیچ چیز به اندازه ظهور گفتمانی که می‌توان از آن به عنوان گفتمان مسلط «هژمونیک» یاد کرد، حائز اهمیت نباشد. پدیده‌ای که تا آن قرن به شکل محسوسی قابل مشاهده

نبود و ظهور آن در قرن نهم از پیدایش فضایی جدید در عرصه فرهنگی فارسی‌زبانان خبر می‌داد. این گفتمان مسلط، گفتمان عاطفی است که بعد از آن هم تا چندین قرن دیگر گفتمان‌ها را تحت شعاع قرار داد.

عصمت بخارایی در دیوانش یکی از نخستین نمایندگان این گفتمان است که رویکرد اعتقادی‌اش بازتاب آشکاری در گفتمان عاطفی‌اش داشت. هم‌زمان با وی کمال‌الدین حسین خوارزمی در «المقصد الاقصی فی ترجمه المستصقی» از انعکاس گفتمان عاطفی کربلا غافل نمانده است.

در نیمه دوم قرن نهم، توجه به این گفتمان، وسعت بیشتری یافت. در یک گزارش تاریخی به مناسبت یادکرد شهدای «فهرج» در کتاب «تاریخ جدید یزد» به این پرداخته شده است. «آذری اسفراینی» شاعر امامی‌مذهب را باید از جمله مروّجان این گفتمان به شمار آورد که دیوانش حاوی داستان‌پردازی هم هست. بعدها شاعران معاصر او مثل داعی شیرازی در «کلیات شاه داعی شیرازی» به این گفتمان وسعت بخشیدند. گفتمان عاطفی در «دیوان ابن حسام خوسفی» ابعاد به مراتب گسترده‌تری یافت. نکته قابل توجه در این گفتمان عاطفی، پیوند آن با رویکرد اعتقادی است. همچنان که در کتاب «شواهد النبوة» عبدالرحمان جامی، به رغم پررنگ بودن گفتمان عرفانی و ماورائی، گفتمان عاطفی نیز محسوس است.

گفتمان عاطفی «مولانا کاتبی» نمونه مشابهی از گفتمان «ابن حسام خوسفی» است. در همین روزگار با گفتمان عاطفی پُردامنه «روضه الصفا» تألیف «میر خواند» مواجهیم که به نحو مؤثری گفتمان تاریخی را تحت شعاع قرار داده و سند مهمی برای هژمونیک شدن گفتمان عاطفی در آن روزگار به شمار می‌رود. این کتاب را باید مهم‌ترین اثر تاریخی این روزگار دانست که در آن، سرگذشت واقعه کربلا از ابتدا تا انتها با رویکرد داستانی آمده است. روضه الصفا با ترجمه «الفتوح» ابن اعثم شباهت داشته و گویا برگرفته از آن است؛ با این تفاوت که حجم گفتمان ماورائی در «روضه الصفا» به مراتب کمتر و میزان توجه به گفتمان عاطفی بیشتر است. گفتمان تاریخی «روضه الصفا» تداوم رویکرد سنی‌مذهبان قرن هشتم است.

در «روضه الشهداء» ملاحسین واعظ کاشفی با دو گفتمان تاریخی و ماورائی نیز مواجهیم؛ همچنان که رویکرد اصلی وی بر واقعه کربلا بر مبنای گفتمان عرفانی است؛ ولی هیچ‌کدام از این گفتمان‌ها، مانع گفتمان عاطفی کتاب نشده است.

«بابا فغانی شیرازی»، «اهلی شیرازی» و «خواند میر» در «حبیب السیر فی اخبار افراد بشر» نیز با گفتمان عاطفی، همان تعبیر و معانی سلف را با حفظ همان پیوندهای اعتقادی و گاهی با موضع‌گیری‌های سیاسی در خود دارند.

همراهی گفتمان تاریخی با گفتمان هژمونیک در طیف قابل توجهی از آثار اهل سنت نمود دارد. در کتاب «تاریخ خیرات» تألیف محمد بن فضل‌الله موسوی که شرح مختصری از واقعه کربلاست، گفتمان تاریخی به گفتمان تاریخی آثار قرن چهارم و پنجم بسیار نزدیک است. این کتاب، موضع‌گیری‌های سیاسی هم دارد.

در همان زمان، در «ظفرنامه» شرف‌الدین علی یزدی و نیز در دو کتاب تاریخی محلی به جای مانده درباره شهر یزد نیز رویکرد اعتقادی دیده می‌شود.

تلفیق گفتمان تاریخی با سایر گفتمان‌ها در «وسيلة الخادم الی المخدم» روزبهان خنجی نیز منعکس شد. در این کتاب آشکارا موضع‌گیری سیاسی - اعتقادی به چشم می‌خورد و این موضع‌گیری در کتاب دیگرش یعنی «تاریخ عالم‌آرای امینی» نیز منعکس شده است.

بهره‌گیری از تشبیهات تاریخی - ادبی از دیگر رویکردهای گفتمانی قرن نهم است. به عنوان مثال در کتاب «دیار بکر» تألیف ابوبکر طهرانی، «بدايع الوقایع» تألیف واصفی، «شاهنامه هاتفی خرجدی» و «تاریخ گیلان و دیلمستان» اثر ظهیرالدین مرعشی این تشبیهات را می‌توان دید.

## فصل چهارم: توده‌گرایی تشیع امامیه و نسبت آن با تحوّل گفتمان گزارش واقعه کربلا از «تاریخی» به «عاطفی»

در این فصل، ابتدا به پیشینه تشیع امامیه در مناطق فارسی‌زبان پرداخته شده و سپس دلایل گرایش این مناطق به سمت گفتمان عاطفی مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۱. گسترش تشیع امامیه در نواحی فارسی‌زبان

پیشینه تشیع امامیه در نواحی فارسی‌زبان به قرن اوّل باز می‌گردد. شهر قم به عنوان نخستین محلّ تجمع شیعیان بوده است. هسته اوّلیه تشیع خاندان سعد بن مالک اشعری بودند. در این شهر تا قرن چهارم، غلبه با عرب‌گرایی بود و بعد از آن به تدریج انحصار عربی این شهر شکسته شد. بعد از قم، خراسان، از اواخر قرن اوّل شاهد رشد تشیع بود و بعدها در قرن سوم و چهارم وجود برخی از حکومت‌ها در این نواحی، به فعال‌شدن بیشتر شیعه انجامید. از دیگر مراکز مهمّ شیعه فارسی‌زبان این روزگار، دو منطقه جبال و طبرستان بود. وجود عبدالعظیم حسنی و یکی از وکلای امام زمان (عج) در منطقه ری باعث پُررنگ‌شدن شیعه در منطقه جبال بود. همچنین در سیستان، کرمان، سوسنگرد و اهواز نیز در همان دوران، حضور شیعه پُررنگ بود.

پراکندگی جغرافیایی شیعیان در نواحی فارسی‌زبان از قرن چهارم به بعد، ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت و در قرن پنجم و شش به رغم سختگیری برخی از حکومت‌ها سیر صعودی گسترش نواحی

شیعه‌نشین تداوم یافت. از مهم‌ترین شواهد گسترش شیعه در این دو قرن، نفوذ قابل توجه شیعیان امامیه در ساختار اداری حکومتی سلاجقه بود. در قرن هفتم، گسترش جغرافیایی تشیع، سرعت بسیاری یافت. عمادالدین طبری در گزارش‌های متعدد به این گزاره اشاره کرده است. خاندان معروف «جوینی» که از ارکان حکومت ایلخانان در این زمان بودند رابطه بسیار نزدیکی با علما داشتند و در نتیجه، تشیع در ایلخانان مغول هم رخنه کرد و همین سبب شد که در این دوران، اهل سنت دوازده امامی هم زیاد شوند. در قرن هشتم، تشیع امامی، توسط حکومت به مذهب رسمی تبدیل شد و بخش قابل توجهی از منطقه خراسان، تحت سیطره شیعه درآمد. در اواخر قرن هشتم تا اوایل قرن دهم به واسطه سلسله تیموری که سنی‌مذهب بوده، ولی تمایلات آشکاری به اهل بیت علیهم‌السلام داشتند، مذهب تشیع باز هم گسترش یافت به گونه‌ای که صفویه به راحتی توانستند آن را به عنوان مذهب رسمی فراگیر اعلان کنند.

## ۲. سوگواری امام، افزایش گرایش به مؤلفه‌های عاطفی واقعه کربلا

در مذهب تشیع، سرگذشت امام و واقعه کربلا، مهم‌ترین حلقه ارتباط عاطفی توده‌ها با حلقه‌های است. نخستین گزارش‌های رسمی از مراسم سوگواری امام حسین علیه‌السلام مربوط به قرن چهارم و روزگار آل بویه است. از زمان سلجوقیان به بعد، برگزاری این مراسم رواج بسیار یافت. عبدالجلیل قزوینی در کتاب «النقض» شواهد متعددی بر برگزاری این مراسم، نه فقط توسط شیعیان بلکه توسط اهل سنت ارائه کرده است. هرات در عصر تیموری، مرکز ثقل این مراسم بود.

بر اساس سنجش انجام‌شده درباره گفتمان عاطفی گزارش کربلا چنین به دست می‌آید که این گفتمان پیوسته تا قرن دهم رو به رشد بود و به غیر از قرن پنجم که در همه شاخصه‌ها افت شدیدی کرد، در دیگر قرن‌ها همواره رو به رشد بود. اوج‌گیری این گفتمان در قرن نهم و دهم است.

## ۳. سنجش متغیرها در گفتمان عرفانی

در این بخش، گفتمان عرفانی با چهار متغیر زمان، مذهب، نوع متن و پایگاه اجتماعی مؤلفان و گردآورندگان مورد تحلیل قرار گرفته است.

ذیل متغیر مذهب، در سنجش کلی شاخصه‌ها در تمامی ادوار به غیر از قرن هفتم، اهل تسنن پیشتاز گفتمان عاطفی بوده‌اند.

ذیل متغیر نوع متن، متون ادبی و تاریخی در تمامی ادوار و متون تاریخ مذهبی در قرن هفتم به بعد، پر بسامدترین متون حاوی گفتمان عاطفی شناخته شده است.

ذیل متغیر پایگاه اجتماعی مؤلفان و پدیدآورندگان، پنج گروه شعرا، عرفا، علمای دینی، مناقب‌خوانان و مورخان حائز بیشترین توجه به گفتمان عاطفی بوده‌اند.

در شیوه نام‌گذاری ذیل گفتمان عاطفی، توصیفات در سه محور «جبهه حق»، «جبهه باطل» و «توصیف رویداد کربلا» است که در این توصیفات، ۱۸۳ نام برای محور جبهه حق و ۲۱۴ عنوان برای محور جبهه باطل و ۱۱ وصف برای توصیف رویداد کربلا کشف شد.

## فصل پنجم: رویکردهای اعتقادی به منزلت قدسی اهل بیت علیهم‌السلام و نسبت آن با تحوّل گفتمان گزارش واقعه کربلا از تاریخی به ماورائی

در این فصل ابتدا به مصطلح «اهل بیت علیهم‌السلام» و جایگاه آن نزد مسلمانان اشاره شده، سپس به منزلت اهل بیت علیهم‌السلام و گفتمان ماورائی پرداخته می‌شود.

### ۱. اهل بیت علیهم‌السلام و جایگاه آنها نزد مسلمانان

نگرش اهل تسنّن به اهل بیت علیهم‌السلام، باور به منزلت معنوی ویژه ایشان بود. این رویکرد در نسل بعدی تغییر یافت و از گزارش احترام‌آمیز، به رویکرد اعتقادی به مقام الهی و قدسی اهل بیت علیهم‌السلام مبدّل شد. لازم به ذکر است که تصوّف در این تغییر رویکرد، نقش به‌سزایی داشت؛ به گونه‌ای که افرادی چون ابن عربی تعبیری همچون «سرّ اسرار خلقت» و «والی ولایت ناسوت» درباره امام علی علیه‌السلام به کار می‌برند. چنین نگرش‌هایی سبب ایجاد تسنّن دوازده‌امامی را شد.

### ۲. منزلت قدسی اهل بیت علیهم‌السلام و آثار فارسی

نویسنده در این بخش، ابتدا به باور شیعیان نسبت به منزلت قدسی اهل بیت علیهم‌السلام و پیشینه آن می‌پردازد و سپس به نمونه آثار فارسی اهل سنت که نشان از اعتقاد به منزلت الهی اهل بیت علیهم‌السلام است، اشاره می‌کند.

درباره آثار فارسی شیعی، نگرش اعتقادی به منزلت الهی اهل بیت علیهم‌السلام، با تأخّر زمانی نسبت به آثار عربی پدیدار شد. در آثار سده نخست این نگرش کم‌دامنه‌تر و در سده‌های متأخّر، پُردامنه‌تر است. علّت بسامد بیشتر در سده‌های پسین به گسترش تشیع در میان فارسی‌زبانان و گسترش فعالیت مناقبیان برمی‌گردد.

نخستین نمونه‌های آثار فارسی اهل سنت که نشانی از اعتقاد به منزلت الهی اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان در آن مشاهده کرد، کتاب «کشف المحجوب هجویری»، «تفسیر تاج القصص» بخاری، «مکاتیب سنایی» اثر سنایی غزنوی و «مجموعه نامه‌ها»ی خاقانی شروانی است که به ستایش اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته‌اند.

با گذشت زمان، اظهار اعتقاد به جایگاه خاص اهل بیت علیهم‌السلام ابعاد گسترده‌تری یافت؛ به عنوان مثال، توصیفات نخجوانی از امام علی علیه‌السلام حیرت‌آور است. همچنین سیف‌الدین باخزری در آثار خود، امامان

شیعه را چنان وصف می‌کند که نشان از نگرش اعتقادی قوی اوست. این موج فرهنگی در اهل سنت تا حدّ بسیاری مرهون گسترش تصوّف است.

نویسنده کتاب، نمونه‌های متعددی از عالمان متصوّف سنی را معرفی می‌کند که گرایش سنیان فارسی‌زبان در اعتقاد به شأن اهل بیت علیهم‌السلام را شکل می‌دهند؛ گرایشی که نه فقط کمتر از شیعه نبود بلکه هم‌تراز و در برخی ادوار، حتی پیش‌تاز بود.

### ۳. گزارش واقعه کربلا و گفتمان ماورائی

میراث فراهم‌آمده از پیدایی و گسترش اعتقاد به منزلت اهل بیت علیهم‌السلام باعث کم‌رنگ‌شدن گفتمان تاریخی شد و در طیف متنوعی از آثار مختلف، پرداختن به شخصیت، در قالب رویکرد تقدّس‌گرا و مافوق انسانی صورت گرفت. در بین اهل سنت به موضوع «تقدیر» هم پرداختند و گفتمان ماورائی را با محوریت تقدیرگرایی مطرح کردند. بر این اساس، شهادت امام حسین علیه‌السلام را تقصیر یزید ندانسته، بلکه از مقدرات الهی شمردند. همین امر سبب شد که بعدها روز عاشورا را روز شادی و تبرک بدانند و یزید را تبرئه کنند.

در مقابل این دیدگاه، شیعیان و برخی دیگر از اهل سنت، اگرچه شهادت را مقدّس می‌دانستند، اما یزیدیان را تبرئه نمی‌کردند. این گفتمان به دلیل پیوند با مبانی دینی به ویژه ارج‌گذاری مقام امام حسین علیه‌السلام با اقبال فراوانی روبه‌رو شد.

### ۴. آثار فارسی گفتمان ماورائی و سنجش متغیرها در این گفتمان

مؤلفان و پدیدآورندگان فارسی‌زبان که به انعکاس رویداد کربلا پرداخته‌اند از همان ادوار نخست از عرضه گفتمان ماورائی غافل نبودند. این گفتمان به ویژه در پی گسترش اهل سنت دوازده امامی و نیز شیعه امامیه در نواحی مختلف، سیر صعودی یافت و در کنار گفتمان عاطفی به گفتمان غالب تبدیل شد. نویسنده در ادامه به سنجش متغیر زمان، مذهب، نوع متن و پایگاه اجتماعی مؤلفان و گردآورندگان در گفتمان ماورائی می‌پردازد.

در متغیر زمان، شاخصه‌های این گفتمان، دارای فراز و فرودهایی مکرر است؛ در قرن چهارم تمامی شاخصه‌های گفتمان ماورائی، حضوری محسوس داشت، مگر در قرن پنجم که افتی شدید را شاهد بود. در قرن ششم و هفتم، سیر صعودی این گفتمان مشهود است. در قرن هشتم گفتمان ماورائی سیر نزولی دارد و در قرن نهم و دهم نیز سیر صعودی آن دیده می‌شود. در سنجش شاخص‌ها تا قرن هفتم، اهل تسنن پیش‌تاز این گفتمان بودند که علت آن، علاقه تصوّف به این گفتمان بود.

در متغیر نوع متن نیز متون تاریخی، پربسامدترین گفتمان ماورائی بوده و متون عرفانی، ادبی، تفسیری، مناسک مناقب و حدیث در رده‌های بعدی قرار دارد.  
در متغیر پایگاه اجتماعی مؤلفان، پنج گروه شاعران، عارفان، عالمان دینی، مناقب‌خوانان و مورخان، این گفتمان را مورد توجه قرار داده‌اند.

شیوه نام‌گذاری در این گفتمان تنها ناظر به جبهه حق با ۲۰ نام بوده است.

## فصل ششم: رشد و گسترش تصوّف و نسبت آن با تحوّل گفتمان گزارش واقعۀ کربلا از «تاریخی» به «عرفانی»

در این فصل ابتدا به گسترش تصوّف در نواحی فارسی‌زبان تا قرن دهم اشاره می‌شود و سپس همانند فصل قبل به سنجش متغیرها پرداخته می‌شود.

### ۱. نگاهی به گسترش تصوّف در مناطق فارسی‌زبان تا قرن دهم

گرایش به تصوّف از همان ادوار نخستین اسلامی در میان فارسی‌زبانان ایجاد شد و خراسان بزرگ خاستگاه آنها بود. بعدها در قرن چهارم و پنجم، این مکتب در نواحی دیگر هم رشد کرد. مهم‌ترین دوره رشد تصوّف در نواحی فارسی‌زبان از قرن ششم به بعد بود؛ به نوعی که صوفیه نه تنها در میان مردم پایگاه داشت بلکه در میان دولت‌مردان هم نفوذ و مقبولیت فراوانی یافت. آنچه این گستردگی و نفوذ را بیشتر کرد، هجوم مغولان بود. پس از مدّتی، مغول‌ها نیز به اسلام گرویدند و از صوفیان حمایت‌های زیادی کردند.

### ۲. آثار فارسی گفتمان عرفانی گزارش واقعۀ کربلا و سنجش متغیرها

تصویرسازی واقعۀ کربلا با گفتمان عرفانی از قرن چهارم در آثار فارسی پدیدار شد و از قرن پنجم رو به افزایش نهاد.

در این بخش، گفتمان عرفانی در چهار متغیر زمان، مذهب، نوع متن و پایگاه اجتماعی پدیدآورندگان مورد تحلیل قرار گرفته است. نویسنده، شاخص‌های مختلف را در این جا بررسی کرده و به این موضوع نیز پرداخته که در هر قرن، چه واژه‌هایی پُربسامد بوده است.

در متغیر مذهب، بیشترین میزان توجه به این گفتمان، از آن اهل سنت است. شیعه از قرن هفتم به بعد به این گفتمان روی آورده و در نهایت نیز این رویکرد مقبولیت چندانی در بین شیعیان نیافته است.

در متغیر نوع متن، بیشترین بسامد از آن متون عرفانی است و متون تاریخ مذهبی، ادبی، تاریخی و تفسیری در رده‌های بعدی جای دارد.



در متغیر پایگاه اجتماعی، پدیدآورندگان، پنج گروه شعرا، عرفا، عالمان دینی، مناقب‌خوانان و مورخان هستند.

در این گفتمان، شیوه نام‌گذاری صرفاً ناظر به جبهه حق است. گستره این نامگذاری‌ها مشابه گفتمان ماورائی است و به لحاظ کمیّت، شامل ۲۵ وصف می‌شود.

در پایان کتاب «تحوّل گفتمان در گزارش واقعه کربلا»، نتیجه‌گیری نهایی عرضه شده و سپس منابع، مأخذ و نمایه اعلام و مصطلحات آمده است.

## ب) گزارش نشست

این کتاب به دلیل ویژگی‌هایش از جمله پرداخت آماری به نگاشته‌های عاشورایی، موضوع یکی از نشست‌های علمی سید مرتضی (ره) قرار گرفت. در ادامه گزارشی از این نشست، ارائه می‌شود.

### ۱. رویکردهای ویژه

نویسنده کتاب در ابتدای نشست به بیان دو ویژگی مهم در اثر خود پرداخت:

یکم. نگاه کمی یا کمی‌سازی تاریخ: معمولاً به دلیل دشواری‌ها و موانعی که در این راه وجود دارد، چنین کاری در حوزه تاریخ رایج نیست؛ ولی این پژوهش توانسته بخشی از تاریخ مرتبط با عاشورا را کمی‌سازی کند.

دوم. هرچند بحث‌های گفتمانی در آثار پژوهشی - تاریخی، رایج است، اما تاکنون این نوع از نگاه گفتمانی به واقعه کربلا مورد توجه قرار نگرفته بود.

یکی از واژگان کلیدی در کتاب «تحوّل گفتمان در گزارش واقعه کربلا» اصطلاح «گفتمان» و «تحوّل گفتمان» است. نویسنده در این نشست به معرفی چهار گفتمان محوری یعنی «گفتمان تاریخی» (به عنوان گفتمان معیار)، «گفتمان عاطفی»، «گفتمان عرفانی» و «گفتمان ماورایی» پرداخت و آنها با شاخصه‌های خاص خود تعریف کرد.

دو موضوع «تحلیل محتوا» و «تحلیل گفتمان» از نکات دیگر مطرح‌شده در کتاب است. نویسنده، به تفاوت این دو و چرایی انتخاب «تحلیل محتوا» به عنوان روش کار پژوهشی اشاره کرد.

محور کار این کتاب، بررسی منابع فارسی است. صاحب اثر، علت انتخاب منابع فارسی را چنین عنوان کرد:

یکم. یکی از نیازمندی‌های هر پژوهشی، بررسی پیشینه آن است. در این تحقیق نیز پیشینه، مورد مطالعه قرار گرفت. آثاری در این زمینه منتشر شده که بر روی مقاتل عربی تمرکز داشته و تنها آثار فارسی عصر صفویه و قاجار آن هم با روشی دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو پژوهش آثار فارسی پیش از این دوران، آن هم با روش تحلیل محتوا و محوریت بررسی گفتمان‌ها، کاری نو محسوب می‌شود.

دوم. گفتمان‌های دوران صفویه و قاجار، ریشه در گفتمان‌های پیشینی دارد. از این رو ضروری بود تا گفتمان‌های پیش از این عصر، واکاوی شود.

سوم. غالب مباحث گفتمانی واقعه کربلا بر روی مقاتل، تمرکز داشته‌اند؛ در حالی که سایر منابع فارسی نیز به موضوع عاشورا پرداخته‌اند از این رو مأموریت این پژوهش، بررسی همه آثار فارسی بود.

## ۲. روش انتخاب منابع

خانم میرابوالقاسمی در ادامه سخن، گزارشی از کتاب‌های مورد مراجعه ارائه کرد. او فرایند این تحقیق را سه‌ساله شمرد که در این میان بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب فارسی چاپی و خطی، سطر به سطر مورد مطالعه قرار گرفت. بعد از مطالعه همه این آثار، حدود ۱۸۰ متن قابل عرضه بود که بر اساس آن بخش‌های مختلف کتاب تنظیم شد.

## ۳. شاخصه‌های آماری

برای دستیابی به یک ارزش و یا مقدار واحد در بین متغیرهای مختلف، نیاز به شاخصه آماری است. نویسنده برای آثار مورد مطالعه، شاخصه‌هایی در نظر گرفت که در این نشست به آن اشاره کرد. «مؤلفان»، «زمان تألیف یا پدیدآمدن آثار»، «نوع آثار به لحاظ محتوایی» و «پایگاه اجتماعی پدیدآورندگان»، شاخصه‌های آماری این تحقیق را شکل داد.

بر اساس ارائه نویسنده، در آغاز پژوهش، شاخصه جغرافیایی نیز مد نظر بود، اما به دلیل نامشخص بودن قلمرو جغرافیایی تولید و انتشار بسیاری از آثار، این شاخصه از کار آماری حذف شد. به عبارت دیگر، بسیاری از نویسندگان، همواره در سفر بودند و آثار خود را در شهرهای مختلف نگاشتند؛ از این رو امکان تعیین مکان تولید یا انتشار اثر، غیر قطعی و با درصد خطای بالاست؛ از این رو تصمیم به حذف آن گرفته شد.

نویسنده در ادامه به موضوع «بسامدهای آماری واژگان» پرداخت. هر کدام از واژگان تخصصی این موضوع بر اساس تکراری که در متن‌ها داشت، متن‌شماری شده و در جداولی با دقت بالا ثبت شد.

طبیعی است که این آمارگیری نیز مانند هر آمارگیری دیگری، نمی‌تواند یک نتیجه قطعی باشد؛ زیرا آمارها بر اساس جامعه آماری مشخص تهیه می‌شود و با تغییر جامعه آماری، تغییر می‌کند. یعنی بعد از انتشار این پژوهش، هنگامی که آثار فارسی دیگری شناسایی شود، ممکن است نتایج متفاوتی نیز به دست آید. پس نتایجی که در این اثر به دست آمده، با توجه به همان جامعه آماری ثبت‌شده در کتاب است.

#### ۴. فرضیه پژوهش

پژوهش‌هایی که از پیشینه مطالعاتی برخوردار باشند، معمولاً دارای فرضیه‌اند. فرضیه، گزاره‌ای است که برای کشف روابط بین پدیده‌ها یا تبیین و علت‌یابی پدیده‌ها مطرح می‌شود.

فرضیه اصلی این پژوهش، آن بود که «گفتمان تاریخی به عنوان گفتمان معیار به تدریج رو به افول رفته و گفتمان‌های دیگر از جمله گفتمان عاطفی، سیر صعودی یافته است.» بر این اساس، پرسش اصلی این تحقیق، چنین است: «آیا تحول از گفتمان تاریخی به عاطفی روی داده است؟ چرا؟»

در پاسخ به این پرسش، علت‌های مختلفی مطرح شد؛ از جمله رشد تصوف در سرزمین‌های فارسی‌زبان و توجه بیشتر به جایگاه قدسی اهل بیت (علیهم‌السلام).

یکی دیگر از بهره‌های این تحقیق، بررسی نوع و میزان تفاوت شیعیان با اهل سنت در چگونگی توجه به وقعه عاشورا است. در گذشته تاریخ، شیعیان، بیشتر بر روی گفتمان تاریخی تمرکز داشتند؛ ولی اهل سنت، بیشتر بر روی گفتمان‌های غیر تاریخی تأکید می‌کردند. چرایی این تفاوت، در کتاب، تحلیل شده است.

#### ۵. جمع‌بندی

پژوهش یادشده به تحولات گزارش کربلا در آثار فارسی از قرن چهارم تا قرن دهم هجری پرداخته است. در این پژوهش بر گفتمان تاریخی به گفتمان‌های عاطفی، عرفانی و ماورایی نیز پرداخته شده است. در روند این تحقیق ابتدا مواد پژوهش، گردآوری شده و سپس کمی‌سازی شد و نتایج در قالب تحلیل و جدول ارائه گشت. هرچند شیعه و اهل سنت هر دو از رویکرد تاریخی به رویکرد غیر تاریخی گرایش پیدا کردند، اما چرایی آن در این دو گروه متفاوت است.

#### ۶. پرسش و پاسخ

در پایان این نشست پرسش‌هایی از سوی شرکت‌کنندگان مطرح و توسط نویسنده، پاسخ داده شد.

## پرسش اول: تفاوت شیعه و اهل سنت در پرداختن به گفتمان‌های تاریخی و غیر تاریخی

اینکه گفتمان عرفانی یا ماورایی را به شیعه یا اهل سنت اختصاص بدهیم درست نیست. هم شیعیان و هم اهل سنت این رویکرد را داشته‌اند. نه تنها این گفتمان، بلکه هر چهار گفتمان در میان شیعه و اهل سنت رایج بوده است. نکته مهم این است که در میان اهل سنت، تأکید بر گفتمان غیر تاریخی بیشتر بوده و سپس این گفتمان در میان شیعیان رایج شد. اهل سنت از همان قرون نخستین به سراغ این رویکرد رفت. بعدها زمینه‌های سیاسی - اجتماعی و برخی دلایل دیگر موجب شد تا جوامع فارسی‌زبان شیعی به سراغ این گفتمان بروند. یکی از ریشه‌هایی که خوانش غیر تاریخی را مورد تأیید شیعه قرا می‌داد، روایات توصیه به گریه بر امام حسین (ع) بود.

## پرسش دوم: چگونگی تسری گفتمان در عصر حاضر

برای این که بتوان نسبت به وضعیت امروز و آینده تحلیلی ارائه کرد، باید به این پرسش پاسخ گفت که آیا ابتدا گفتمان ایجاد می‌شود و سپس به کتاب‌نگاری راه می‌یابد و یا این که ابتدا کتاب‌هایی نگاشته می‌شود و سپس گفتمان ایجاد می‌شود؟ به عبارت دیگر اگر قرار باشد که موضوع عاشورا به گفتمان دیگری باز گردد، آیا ابتدا باید کتاب‌نویسی صورت گیرد و بعد اینها تبدیل به گفتمان شود؟ و یا اینکه در آغاز باید فضای تبلیغی و رسانه‌ای تغییر کند و سپس خودبه‌خود، این فضا به کتاب‌نویسی و مقاله‌نویسی راه یابد؟

به نظر می‌رسد که هر دو مسیر طی می‌شود. یعنی نمی‌توان تقدّم و تأخّری میان این دو قائل شد؛ هم باید فضا سازی رسانه‌ای صورت گیرد و هم مکتوب شود؛ همچنان که در روزگار گذشته هم این چنین بوده است. نخستین آثار فارسی مرتبط با واقعه کربلا قطعاً بر یک زمینه فرهنگی استوار است و در عین حال، این آثار، موجب رونق یک رویکرد فرهنگی در میان مردم می‌شود. در عصر حاضر نیز این گونه است و هر دو روش مکمل یکدیگر هستند.

## پرسش سوم: پژوهش‌های مشابه

در موضوع گزارش‌های عاشورایی، با قالب مقاله، کارهای گفتمانی منتشر شده است؛ اما هیچ‌یک از آنها به صورت آماری به این موضوع نپرداخته‌اند. ضمن اینکه بسیاری از آثار گفتمانی، به صحت و سقم رویدادهای کربلا پرداخته‌اند؛ ولی در این پژوهش، فقط گزارش‌ها بررسی شده و متن واقعه، محور کار نبوده است.

## پرسش چهارم: نقش حکومت‌ها در تغییر گفتمان

نقش حکومت‌ها در این زمینه قابل انکار نیست. همواره در همه ادوار و جوامع، حکومت‌ها نقش مهمی در زمینه تحولات گفتمانی داشتند. البته حکومت‌هایی که ایدئولوژی آنها پررنگ بوده، نقشی روشن‌تر داشتند مانند آل بویه و سربداران. این به معنای آن نیست که آنها تأثیر بیشتری داشتند؛ بلکه ممکن است حکومت‌های غیر ایدئولوژیک تأثیرگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی‌شان قوی‌تر بوده باشد.

حکومت‌ها در بازه زمانی پیش از قرن دهم و یا حتی تا همین اواخر، سفارش نگارش کتاب می‌دادند و یا نویسندگان، کتاب خود را به دربار هدیه می‌کردند. اینها معذورات و محذوراتی را برای نویسندگانی که همسو با حکومت نبودند، ایجاد می‌کرد. حتی ممکن است نویسنده‌ای درباری باشد ولی در همه موضوعات، نظر دربار را قبول نکند. مثلاً سلمان ساوجی شاعر قرن هشتم، درباری بود، اما اشعاری که درباره واقعه عاشورا دارد لزوماً نگاه دربار نیست.

### پرسش پنجم: تأثیر حوادث تاریخی و اجتماعی در کمیّت آثار

قطعاً رویکرد حکومت‌ها در پدید آمدن این آثار تأثیر داشته است. به عنوان مثال در دوره سربداران که یک حکومت شیعی دوازده امامی است، شخصی مانند حسن شیعی سبزواری ظهور می‌کند که چند اثر مهم فارسی به وجود آورده و در همه آنها درباره واقعه کربلا صحبت می‌کند. بنابراین اگر زمینه مساعد اجتماعی و سیاسی وجود داشته باشد نویسندگان بیشتری می‌توانند آثار فزون‌تری تولید کنند.

## ۷. جمع‌بندی مدیر مسؤول مجله

آقای محمّد مهدی احسانی‌فر مدیر مسؤول مجله دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث در پایان، ضمن تشکر از خانم دکتر سیّده رقیّه میرابوالقاسمی و شرکت‌کنندگان در این نشست علمی، چند نکته را مطرح کرد:

یکم، واقعه کربلا موضوعی ویژه است؛ زیرا همواره مورد الگوگیری بوده است. تا به حال، نویسندگان این عرصه به صورت جدی وارد قالب‌های آماری برای تحلیل این واقعه و امور مرتبط با آن نشده‌اند. بنابراین روش این کتاب، نوآورانه و موضوع آن که پژوهش در منابع عاشورایی است، ارزشمند است.

دوم، گفتمان و فرهنگ، رابطه دوسویه دارند. تغییر گفتمان می‌تواند منجر به تغییر فرهنگ شود و فرهنگ نیز بر گفتمان اثرگذار است. در این کتاب، زمینه و راهکار تغییر گفتمان مطرح شده که کاری نو محسوب می‌شود.

سوم. در همان حالی که نویسنده به مسأله تغییر گفتمان در واقعه کربلا پرداخته، اما گفتمان عاطفی را نفی نکرده است. حال آن که در برخی موارد، نویسندگان، برای اثبات یک چشم‌انداز و زاویه دید، زوایای دیگر را نفی می‌کنند و یا آن را جعلی می‌خوانند. اما در این کتاب، گفتمان عاطفی که در شیعه، پشتوانه روایی دارد، نفی نشده و به طور جدی به آن پرداخته شده است.

چهارم. نویسنده تأکید کرده که عزاداری سیدالشهدا علیه السلام مربوط به دوران صفویه نبوده و پیشینه داشته است. متأسفانه برخی چنین تصور می‌کنند که مصیبت‌خوانی ابی‌عبدالله علیه السلام مربوط به دوران متأخر است؛ ولی نویسنده این کتاب به روشنی با این دیدگاه مخالفت کرده است.

پنجم. در این کتاب روشی برای مباحث آماری در موضوع واقعه عاشورا مطرح شده که می‌تواند الگویی برای کارهای دیگر مرتبط با فرهنگ عاشورا مثل آداب عزاداری و ... باشد. به عبارت دیگر روش تحلیل آماری، روش نوآورانه‌ای است و داده‌های نوینی را در دسترس قرار خواهد داد.

## کتاب‌نامه

تحول گفتمان در گزارش واقعه عاشورا، سیده رقیه میرابوالقاسمی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اول، ۱۳۹۳ ش.